

خراپات

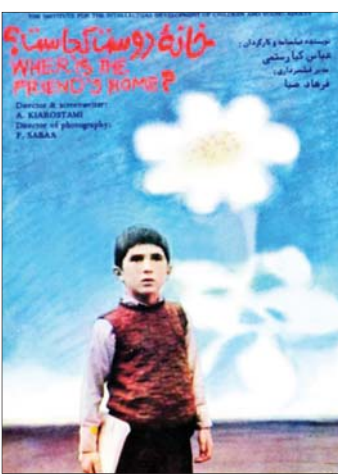
نشانه‌های پرمعنای یک دوران سپری شده



جواد طوسی

● نمایش تعدادی از تولیدات قدیمی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از ۳۱ خرداد تا ۱۰ تیر در سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران، می‌تواند فرصت مناسبی برای آسیب‌شناسی این مرکز و ارزیابی گذشته و حالش باشد. به جز تعداد محدودی از فیلم‌های تولیدشده در اوایل انقلاب و دوره طلایی مدیریت علیرضا زرین، همچون «مدرسه‌ای که می‌رفتیم» (با نام اولیه حیاط هستند. در کنار افرادی مانند «فیروز شیوانلو» و «م. آزاد»، مدیر و همه‌کاره کانون در حوزه فیلم‌سازی «لیلی امیراجمند» بود که بعدها در این دوران، پشت سر او حرف‌وحدیدهای زیادی زده شد که در این یادداشت با این مسائل کاری نداریم؛ اما نکته‌ای را که نمی‌توان در نگاهی واقع‌بینانه از کنارش گذشت این است که در دوران مدیریت همین خانم در معرض اتهامات عدیده، فیلم‌های متنوعی در قالب داستانی، آموزشی و انیمیشن تولید شد که اغلبشان از ارزش‌های کیفی، مضمونی و ساختاری برخوردار بودند. در کنار حضور افرادی چون علی‌اکبر صادقی، فرشید مثقالی، نفیسه راجی، مرتضی ممیز، آراییک باغداساریان، ابراهیم حقیقی، محمدرضا اصلانی، نورالدین زرین‌کلک، سهراب شهیدتالو و اسفندیار منفردزاده، موجودیت فرهنگی و هنری «عباس کیارستمی» در این کانون شکل گرفت. در واقع، او به‌عنوان شاخص‌ترین فیلم‌ساز این مرکز با فعالیت مداوم خود تولیدات مختلف و متنوعی با نگاه آموزشی، روان‌شناسانه و اجتماعی-سیاسی در پیش و بعد از انقلاب داشته‌که به فیلم‌های «نان و کوچه»، «زنگ تفریح»، «تجربه»، «دندان‌درد»، «مسافرخ»، «لباسی برای عروسی»، «همشهری»، «همسران»، «اولی‌ها»، «مشق شب»، «دو راه‌حل برای یک مسئله»، «قصیه شکل اول قضیه شکل دوم» و «خانه دوست کجاست؟» از آن جمله‌اند. به‌جزئی می‌توان گفت کیارستمی تعریف مستقل و متفاوتی از فیلم‌سازی «کودک و نوجوان» در این طی طریق ارائه داد که در کنار موفقان زیاد، مخالفانی هم دارد. ویژگی بارز و درخور اعتنای این دوران، جذب فیلم‌سازیانی مانند ناصر تقوایی، مسعود کیمیایی، بهرام بیضایی، شاپور قریب و امیر نادری با ساخت فیلم‌های خوب و تأمل‌برانگیزی مانند «رهایی»، «پسر شرقی»، «اسب»، «عمو سیلو»، «سفر»، «هفت‌تیرهای چوبی»، «ساز دهنی» و «انتظار» بود که شماری از این فیلم‌ها در این چند روز، به نمایش درخواهند آمد.

اما نکته قابل بحث به‌عنوان ختم کلام (با درنظرگرفتن دوران فطرت کانون در سال‌های اخیر و نداشتن هیچ تولیدی)، قائم به فرد بودن این مرکز در دوران طلایی و پربارش است؛ یعنی با ارزیابی بی‌لان کار و عملکرد کانون در «دوران ماضی و دوران اول انقلاب با مدیرین علیرضا زرین و حمید دهقان‌پور باید این واقعیت را پذیرفت که اساسا موجودیت فرهنگی و حیات طبیعی چنین مرکزی در چارچوب اهداف و شرح وظایف اصلی‌اش، وابسته به یک نگاه دلسوزانه و توأم با شناخت فردی بوده و هرجا مدیر و مسئول فقط خودش را یک حقوق‌بگیر صرف می‌دانسته و دغدغه کار فرهنگی نداشته و به‌جاآوردن شرط احتیاط و محافظه‌کاری را راجح بر جسارت و خط‌شکنی و ریسک‌پذیری می‌دانسته، با رکورد و تخته‌شدن در کار فیلم‌سازی در این مکان مواجه بوده و هستیم. به‌هرحال، کمترین دستاورد نمایش این فیلم‌ها در سینماتک موزه هنرهای معاصر، آگاهی نسل‌های جوان این زمانه از یک دوران سپری‌شده و فرهنگ و دغدغه‌ها و سلاقی جاری در آن است. از منظر دیگر، با این فیلم‌ها می‌توان به این نکته مهم دست یافت که سینمای کودک و نوجوان برای شماری از فیلم‌سازان ما در مقاطع مختلف و حساس تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، یک بهانه بوده است یا یک ضرورت و هدف؟



خبرسازی یاران احمدی‌نژاد در روزهای پس از درگذشت حبیب محبیان، با انتشار نامه‌ای منسوب به این خواننده، وارد ابعاد تازه‌ای شد.

حبیب محبیان صبح ۲۱ خرداد در روستای نیاسته رامسر بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت. حبیب یکی از خوانندگان و آهنگ‌سازیانی بود که از شش‌سال قبل وارد ایران شد. بازگشت او به ایران در سال ۱۳۸۸ با حاشیه‌های زیادی همراه بود و نحوه ورود او به ایران را مورد سؤال قرار داد. به گزارش عصر ایران، برخی بر این باورند که سمیر زند (محمدحسین خزعلی) حبیب منتشر کرد، عامل بازگشت این خواننده به ایران بود ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد، اگرچه ممکن است تلاش فرزند آیت‌الله خزعلی تأثیر گذاشته باشد ولی گرفتن مجوز بازگشت وی به

ایران قطعا کاری دشوار است که فردی متولد سال ۶۱ بتواند انجام دهد. گویا، محمود احمدی‌نژاد به صدای برخی خوانندگان قبل از انقلاب علاقه‌مند بود. او منهای اینکه به‌طورکلی معتقد به کمی آسان‌گیری در حوزه‌های فرهنگی مرتبط با دین بود و برنامه‌هایی برای بازگشت برخی خواننده‌های قبل از انقلاب داشت. زمینه بازگشت حبیب به ایران را نیز می‌توان تا حدودی تصمیر وی دانست چراکه شنیده‌ها حاکی است پس از آمدن حبیب به ایران، دیداری را احمدی‌نژاد و یکی از نزدیکان خاص احمدی‌نژاد داشته است اگرچه این دیدار هم نتوانست مشکل حبیب در ارائه آلبوم و برگزاری کنسرت در ایران را برطرف کند.

ماجرا یک نامۀ

صبح روز گذشته در حالی مراسم ختم حبیب محبیان، خواننده پاپ، در مسجدجامع شهرک قدس تهران برگزار شد که ساعتی بعد، خبرگزاری فارس به خاطر آنچه «شبهات و ابهامات ایجادشده پیرامون بازگشت این نوازنده و خواننده ایرانی به کشور» نامید، متن نامه منتشرشده از او را خطاب به محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور دولت دهم، منتشر کرد. اما ذوق‌زدگی یاران احمدی‌نژاد از کشف سندی متفن دال بر نامه‌نگاری حبیب و محمود احمدی‌نژاد در حالی اتفاق افتاد که یک هفته قبل محمد محبیان، فرزند حبیب، در گفت‌وگو با یکی از تلویزیون‌های ماهواره‌ای خارج از کشور گفته بود: «پدرش هرگز به احمدی‌نژاد نامه ننوشته است». به‌رحال اگر این نامه واقعی هم باشد، انتشار آن در روزهای پس از مرگ حبیب محبیان، واکنش گسترده

محمد محبیان: پدرم هرگز به احمدی‌نژاد نامه ننوشت

موج سواری با نامه‌ای منتسب به «حبیب»

مرجان صائبی



کاربران شبکه‌های مجازی را در پی داشته است. البته اتفاق تازه‌ای نیست که دولت‌ها با هنر، ابزاری، برخورد کنند و حالا موسیقی، هم در ماهیتش و هم در نوع استفاده‌اش از همه بلاتکلیف‌تر است. بعد از فوت حبیب محبیان، حرف‌های زیادی درباره رابطه‌اش با دولت احمدی‌نژاد مطرح شد، از جمله اینکه اجازه ورود به ایران و قول مجوز برای ادامه فعالیت‌هایش توسط رئیس‌جمهور دولت قبل داده شده بود البته هیچ‌وقت به حبیب محبیان مجوزی داده نشد و ازاین‌رو او در این سال‌ها هیچ کار رسمی‌ای ارائه نکرد؛ همان‌طور که حمیدرضا توریخش، مدیرعامل خانه موسیقی، در سخنانی که روز قبل در مراسم هفتم حبیب برگزار شد، به همین نکته اشاره کرد: «حبیب در طول دوران فعالیتش هنرمند بسیار کم‌حاشیه‌ای بود و چندسال پیش با وعده‌هایی که در دولت قبل داده شد، به ایران بازگشت اما متأسفانه این وعده‌ها عملی نشدند؛ او هنرمند مظلومی بود و ما از اتفاقی که پیرامون بازگشت این نوازنده و خواننده ایرانی به کشور» نامید، متن نامه منتشرشده از او را خطاب به محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور دولت دهم، منتشر کرد. اما ذوق‌زدگی یاران احمدی‌نژاد از کشف سندی متفن دال بر نامه‌نگاری حبیب و محمود احمدی‌نژاد در حالی اتفاق افتاد که یک هفته قبل محمد محبیان، فرزند حبیب، در گفت‌وگو با یکی از تلویزیون‌های ماهواره‌ای خارج از کشور گفته بود: «پدرش هرگز به احمدی‌نژاد نامه ننوشته است». به‌رحال اگر این نامه واقعی هم باشد، انتشار آن در روزهای پس از مرگ حبیب محبیان، واکنش گسترده

این در حالی است که حجت جمشیدپور، مدیر برنامه‌های حبیب محبیان، درباره صحت‌وسقم این نامه اظهار بی‌اطلاعی کرد و به «شرق» گفت: «نمی‌دانم چطور بعد از این‌همه‌سال چنین نامه‌ای منتشر شده است؟» او در پاسخ به دلیل عدم مجوز فعالیت حبیب در ایران گفت: «تا آنجایی که من می‌دانسم، چنین نامه‌ای نوشته نشده و رحیم‌شایی در دیداری حضوری قول مجوز به حبیب داده بود و هیچ وقت به او نگفتند که چرا نمی‌تواند در ایران فعالیت کند. حتی سال گذشته دوباره از طریق دوستان نزدیکشان برای مجوز اقدام کرد و وقتی از او پرسیدم چرا شخصا به ارشاد یا نهادهای دیگر مراجعه نمی‌کند، گفت که دوست ندارم به صورت علنی درخواستم رد شود. از طرف

بهره‌برداری سیاسی یاران رئیس‌جمهور سابق، البته دراین‌بین یک پرسش اساسی باقی می‌ماند: اگر حبیب توسط احمدی‌نژاد به ایران بازگشت و اگر او از نظر سیاسی و اجتماعی مشکلی داشت، چرا با تغییر دولت دستوری مبنی‌بر خروجش از ایران صادر نشد؟ و حالا مرگ او هم دست‌مایه دیگری شده تا هر جناحی از آب گل‌آلود برای خود ماهی بگیرد. خبرگزاری فارس روز گذشته نامه حبیب محبیان خطاب به محمود احمدی‌نژاد را منتشر کرد که حاوی مطالب قابل‌تأملی بود. در این نامه که آذر سال ۱۳۸۸ به دبیرخانه مربوطه ارجاع داده شده، می‌خوانیم: «ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای محمود احمدی‌نژاد؛ با سلام و عرض ادب. با احترام به استحضار می‌رساند اینجانب حبیب محبیان یکی از هنرمندان مردمی این مرزوبوم که سال‌ها در عرصه موسیقی و ترانه‌سرایی فعالیت حرفه‌ای داشته‌ام، بعد از انقلاب اسلامی به دلایل شخصی به‌همراه خانواده از کشور عزیزم هجرت کرده و سال‌ها در غربت زندگی سختی را پشت‌سر گذاشته‌ام». در ادامه این نامه چنین آمده است: «رئیس‌جمهور محترم! جالب است بدانید، که حتما می‌دانید، آقایانی که الان در پوسٲین اصلاحات دم از آزادی، حقوق بشر و حقوق شهروندی می‌زنند، در اوایل انقلاب با تنگ‌نظری و بی‌تدبیری خود باعث به‌وجودآمدن فضای بی‌اعتمادی و وحشت در بین برخی از هوطنان شدن به‌طوری‌که تعدادی از آنها با چشمانی گریان مجبور به ترک وطن خود شدند بدون آنکه تقصیری داشته باشند، که من هم از جمله آنها هستم.».



از دست‌اندرکاران فیلم، تاکنون سازمان سینمایی نظر رسمی خود را درباره توقیف فیلم به تهیه‌کننده اعلام نکرده است؛ بنابراین همچنان راه باز است تا مشکلات مرتفع شود و خوشبختانه بازی‌ها همچنان ادامه دارد. چندی پیش سعید خانی، تهیه‌کننده این فیلم سینمایی، در گفت‌وگو با «مهر» اعلام کرده بود: «در صورت صدور پروانه نمایش «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا»، در نظر داریم فیلم را برای نوبت دوم اکران عید فطر نمایش دهیم».

اما، با این نگاه نمایش عمومی فیلم در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت و «شاید وقتی دیگر» به نمایش درآید. مهناز افشار، طناز طباطبائی، آیدا ماهیانی، سحر دولتشاهی بازیگران زن «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» هستند و مه‌ران غفوریان نیز نقش مرد داستان را ایفا می‌کند. کاهانی سابقه بهره‌گیری از بازیگران کم‌دی را در فیلم‌های خود دارد و این‌بار در این فیلم از مه‌ران غفوریان دعوت به همکاری کرده است. این فیلم‌ساز معمولاً ترجیح می‌دهد فیلم‌هایش در اکران عمومی و قبل از هر چیز دیگر برای مردم به نمایش درآید تا اینکه در جشنواره‌ها به نمایش گذاشته شود. دو سال گذشته هم فیلم «استراحت مطلق» کاهانی بعد از گذر از مشکلات متعدد و بدون حضور در جشنواره فیلم فجر، در سینماهای کشور به نمایش درآمد و بحث‌های مختلفی مطرح کرد.

فیلم مانی حقیقی، به نظر می‌رسد فیلم‌ها در مرحله

نمایش تأخیری داشته باشند و از این به بعد با دقت بررسی شوند. البته در این مسیر هم قصد داشتیم که نظر کارگردان فیلم را جویا بشویم که این روزها در خارج از ایران به سر می‌برد، اما بنا بر اظهارات یکی

سمت وارد کادر دوربین می‌شدند و از سمت دیگر خارج می‌شدند که

درست مثل داستان زندگی و مرگ همه ماست. یک روز به دنیا می‌آییم و یک روز دیگر می‌میریم. بعد از شروع کار، کم‌کم تنهایی و خلوت افراد هم اضافه شد». او ادامه داد: «در ویدئوهایی که به نمایش گذاشته شده، همان فضای عکس‌ها وجود دارد و آدم‌ها می‌آیند و می‌روند. حتی برخی می‌گفتند فضای این ویدئوها مثل عکس‌ها تکرار شده، اما من به عمد می‌خواستم این تکرار وجود داشته باشد تا علاوه‌بر حرکت‌دادن به نمایشگاه، مسائلی مثل زندگی و مرگ که مدام با آنها درگیر هستیم، باز هم تکرار شوند».

و به‌سرعت رفت. حالا از این فاصله که نگاه می‌کنم، همه آدم‌ها را می‌بینم که می‌آیند و می‌روند، بعضی آرام و بعضی تندتر. معلوم نیست از کجا وارد کادر من می‌شوند و به کجا می‌روند. اینها شبیه موجوداتی پیچ‌زده‌اند، درست مثل همه ما، در این بهوتی که به آن پرتاب شده‌ایم و صحنه همچنان تکرار می‌شود». امین که اولین نمایشگاه خود را برگزار کرده، عنوان کرد جذابیت فضا و لوکیشن باعث شده است او روی این مجموعه فعالیت کند: «وقتی هوا آبی بود یا هنگام غروب، به دلیل مبهم‌شدن فضا، موقعیتی به وجود می‌آمد که وقتی آدم‌ها وارد کادر من می‌شدند، بخشی از مرگ و زندگی را تداعی می‌کردند. آدم‌ها از یک

شرق؛ آدم‌های تنها می‌آیند و می‌روند. آنها از یک‌جای بوم وارد و از نقطه دیگری از کادر دوربین هدی امین خارج می‌شوند تا تکرار با صحنه‌های نمایشگاه او بیوند بخورد. نمایشگاهی با عنوان «برهوت» شامل ۱۲ عکس و چهار ویدئو از آثار هدی امین در گالری ویستا درحال برگزاری است. این عکس‌ها دوسال‌ونیم از یک منطقه مسکونی در غرب تهران گرفته شده‌اند که با وجود مسکونی بودن آن، خلوت و تنهایی آدم‌ها نکته مشترک این تابلوهاست. غیر از یکی از عکس‌ها، در بقیه آثار تنها یک نفر دیده می‌شود. در ورودیه نمایشگاه چنین نوشته شده است: «آن موجود کوچک هم به همین برهوت پرتاب شد. توقفش طولی نکشید

نمایشگاه عکس «برهوت» در گالری ویستا

یادداشت روز

داستان بی‌پایان لغو کنسرت‌ها

عزیز قاسم‌زاده . خواننده

● چرا داستان لغو کنسرت‌ها انجामी ندارد؟ موسیقی اگر از منظر رازورزانه هنر ویژه‌ای است که می‌توان با توسل به آن از لباس رنگ برون خزید و به بی‌رنگی کوچید اما در نگاه غالب کارگزاران تصمیم‌ساز در این ملک، این هنر یا در ذات و سرشتش مذموم است یا رقیبی است که می‌تواند تبعات خطرناکی داشته باشد. به نظر می‌رسد این دو عامل، نقش کلیدی در راهبرد مخالفت‌ها با این هنر خاص بوده است. اما این تمام ماجرا نیست. مسئله مهمی که نقش فرایندهای در استمرار چنین حرکتی دارد مشخص‌نبودن نهاد متولی این امر است. علی‌القاعده باید برگزاری کنسرت از آغاز تا انجامش مسئله‌ای در حیطه وزارت ارشاد و اداره‌کل‌های تابعه آن باشد اما واقعیت تلخ، حکایت از امر دیگری می‌کند. وزارت ارشاد پس از صدور مجوز کمترین نقشی در برگزاری هیچ کنسرتی ندارد و اساسا مجوزهایش هیچ ضمانت اجرایی برای هیچ کنسرتی نیست. تازه این چندم‌رجع‌بودن شق رسمی و قانونی قضیه است که تا کنون قفلش زده و گشوده نشده؛ اما شق غیررسمی و فراقانونی آن اراده نهاده‌ا و اشخاصی است که اساسا به لحاظ حقوقی کمترین سهم در تعیین سرنوشت قانونی کنسرتی ندارند اما به لحاظ حقیقی اراده آنهاست که قانون را دور زده و مانع برگزاری کنسرت می‌شود. برهم‌خوردن کنسرت کیهان کلهر، شاخه‌ترین موزیسین ایرانی در دنیا، کرچه اتفاقی نادر برای برهم‌زدگانش نیست اما امری به‌غایت شگفت‌انگیز و ناپذیرفتنی می‌نماید. چگونه برهم‌زدندگان کنسرت حتی به ابعاد برون‌مرزی اقدام خود اندیشه نکردند و الاقل بنا بر رعایت مصالحی از برهم‌زدن کنسرت کلهر درگذشتند؟ شگفت‌تر آنکه با وجود بازتاب ضدفرهنگی لغو این کنسرت نزد جامعه هنری و اعتراض‌های گسترده به آن، دومین کنسرت شهر نینابور با خوانندگی شهرام ناظری هم لغو شد. به نظر می‌رسد در زمانی که اراده‌ای جدی برای رفع و دفع این مواز کاری‌ها در برنامه دولت نباشد، این شق غم‌انگیز ماجرا انجामी ندارد. رئیس‌جمهور محترم و تیم همراهش که در مسئله برجام برای ایران آبرو و اعتبار خریده‌اند باید برای هنر والای موسیقی هم اندیشه‌ای کنند. چراکه هیچ سفیری بهتر از سفیر فرهنگ و هنر نیست. متأسفانه یکی از دلایل توقیف اراده‌های مافوق در برهم‌زدن کنسرت‌ها، اولویت‌نبودن اراده‌ای در بدنه دولت برای پایلوت‌دادن به این رفتارهاست. مسئله کنسرت‌ها و به‌ویژه کنسرت‌های استاندارد شناخته‌شده باید خط قرمز دوستان وزارت ارشاد باشد. صرف ابراز تأسف شاید تا حدودی و زمانی اندک تسلا‌ی خاطر آسیب‌دیدگان و تشفنی دل پیرشانشان باشد اما درمان کار نیست. ضمن اینکه هنرمندان موسیقی تا زمانی که کنسرتشان را به انتها نبرده‌اند از فرجام آن بی‌خبرند؛ یعنی هیچ کس مطمئن نیست که پس از اخذ همه مجوزها و تبلیغات قانونی، کنسرتش بدون مشکل روی صحنه می‌رود یا دچار اختلال یا لغو می‌شود؛ و این، به لحاظ روحی و روانی فشار مضاعفی بر هنرمندان وارد می‌کند. این داستان غم‌بار و تکراری همچنان ادامه خواهد یافت مگر آنکه نگاه دولت برای حل این معضل به یک نگاه کلان تبدیل شود. با توجه به شخصیت فرهنگ‌مدارانه و هنردوستانه وزیر محترم ارشاد و تشفنی دل پیرشانشان، آقا ش مراد خانی، این امر شدنی است؛ به‌ویژه اینکه هر قدم این بزرگواران مسلما با قدم‌هایی بزرگ‌تر و همراهی عمیق‌تر قبیله غمزده موسیقی ملی ایران همراه خواهد بود. البته این سخن به معنای رد و طرد حقوق لحله‌های دیگر موسیقی نیست اما از شگفتی‌های روزگار ما این است که حجم لغو کنسرت‌های موسیقی اصیل به‌مراتب از لغو کنسرت‌های پاپ بیشتر بوده؛ هرچند لغو غیرقانونی هر کنسرتی پسندیده نیست. شاخک‌های توسعه و ترقی هر کشوری تا زمانی که از شاهراه حیاتی فرهنگ و هنر گذر نکند، هرگونه توسعه دیگری را ناتوان و ناپایدار خواهد کرد.

برده نقره‌ای

فیلم‌های زرین‌کلک

درموزه هنرهای معاصر

● شرق؛ شش فیلم از نورالدین زرین‌کلک، روز سه‌شنبه اول تیرماه ساعت پنج بعدازظهر در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید. به گزارش روابطعمومی موزه هنرهای معاصر تهران، روز سه‌شنبه اول تیرماه ساعت ۵ بعدازظهر، فیلم‌های «زمین بازی بابوش» (۱۳۵۰)، «چشم تنگ دنیادار» (۱۳۶۱)، «امیر حمزه» (۱۳۵۶)، «دنای دیوانه دیوانه دیوانه» (۱۳۵۴)، «تداعی» (۱۳۵۲) و «اتل مثل توتوله» (۱۳۵۲) از نورالدین زرین‌کلک در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش درمی‌آید.